

## آیا هر نظری محترم است؟

آزادی بیان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم دنیای مدرن است؛ مفهومی که معمولا درباره‌اش شعار زیاد داده می‌شود اما کمتر به ریشه‌ها و پیچیدگی‌هایش پرداخته می‌شود. آزادی بیان به طور دقیق یعنی حق بیان اندیشه‌ها، باورها و نقدها بدون ترس از مجازات حکومتی. این ایده محصول قرن‌ها بحث فلسفی و سیاسی است.

کد خبر: ۱۵۴۴۵۸۰

تاریخ: ۷ اسفند ۱۴۰۴ - ۱۲:۴۱

اندیشمندانی مانند جان لاک از آزادی وجدان دفاع کردند و بعدها جان استوارت میل در کتاب *On Liberty* استدلال کرد که حتی نظر نادرست هم باید اجازه بیان داشته باشد. زیرا برخورد اندیشه‌هاست که حقیقت را روشن‌تر می‌کند.

این دیدگاه‌ها سرانجام در اسناد حقوقی مدرن مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر رسمیت یافت اما درک آزادی بیان بدون تمایز میان «اندیشه» و «بیان» ناقص است.

آزادی اندیشه تقریبا مطلق است. هیچ قدرتی نمی‌تواند ذهن انسان را به طور کامل کنترل کند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که اندیشه وارد فضای عمومی می‌شود. وقتی سخنی منتشر می‌شود، دیگر فقط متعلق به گوینده نیست. وارد شبکه‌ای از روابط انسانی می‌شود و می‌تواند تأثیر بگذارد، الهام بدهد یا حتی آسیب ایجاد کند.

در اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود: آیا هر نظری محترم است؟ پاسخ دقیق‌تر این است که حق داشتن نظر محترم است اما خود آن نظر الزاما محترم نیست.

می‌توان گفت تو حق داری نظرت را داشته باشی اما من هم حق دارم آن را نقد کنم یا نپذیرم. احترام به انسان با پذیرش محتوای سخنش یکی نیست. این تفکیک، ستون اصلی گفت‌وگوی سالم است. از همین‌جا بحث «آزادی پس از بیان» شکل می‌گیرد. آزادی بیان به این معنا نیست که فرد از هر پیامدی مصون باشد.

در بیشتر نظام‌های حقوقی، اگر سخنی به افتراء، نشر اکاذیب، تحریک به خشونت یا نفرت‌پراکنی بینجامد، می‌تواند مسئولیت حقوقی یا اجتماعی ایجاد کند. بنابراین آزادی بیان همواره در کنار مفهوم «مسئولیت» معنا پیدا می‌کند. آزادی بدون مسئولیت می‌تواند به هرج و مرج برسد و مسئولیت بدون آزادی به خاموشی و ترس.

مرز میان آزادی بیان و توهین یا نفرت‌پراکنی همیشه محل اختلاف است. معمولا سه معیار بررسی می‌شود: آیا سخن صرفا یک نظر است یا دعوت به آسیب؟ آیا گروهی از انسان‌ها را

تحقیر می‌کند و انسانیت آنها را زیر سوال می‌برد؟ آیا احتمال واقعی ایجاد خشونت یا تبعیض دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها ساده نیست و همین دشواری نشان می‌دهد چرا آزادی بیان یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات عصر ماست.

در نظریه، جامعه‌ای ایده‌آل را تصور می‌کنیم که در آن افراد آزادانه سخن می‌گویند و دیگران منطقی پاسخ می‌دهند اما در واقعیت، فشار اجتماعی، موج‌های حمله مجازی یا محدودیت‌های سیاسی می‌تواند افراد را به سکوت بکشاند. در دوره‌ای که شبکه‌های اجتماعی هر نوجوانی را به یک رسانه تبدیل کرده‌اند، مسأله حساس‌تر هم شده است. رسانه بودن یعنی داشتن قدرت اثرگذاری و هر قدرتی با مسئولیت همراه است.

درنهایت آزادی بیان نه یک مجوز مطلق است و نه امتیازی شکننده بلکه تعادلی ظریف میان حق گفتن و مسئولیت پیامدهاست.

پرسش اصلی این نیست که آیا آزادی بیان باید وجود داشته باشد؟ بلکه این است که چگونه می‌توان آن را حفظ کرد، بی‌آنکه به کرامت و امنیت دیگران آسیب زد؟ همین پرسش است که این مفهوم را همچنان زنده، بحث‌برانگیز و ضروری نگه می‌دارد.